

تا نوامبر

۸۴ روز تا انتخابات نوامبر رقابت برای کرسی‌های واکر، رایان و بالدوین

زمانی که این نوشته را می‌خوانید، ممکن از خبرهایی از نتایج ۱۴ انتخابات اولیه‌ای که در ایالت مختلف در روز سه‌شنبه برگزار شده‌اند، منتشر شده باشد. کاندیدایاها برای این نامزدهای رقیب در کرسی‌های نوامبر باشند، در این انتخابات اولیه با هم رقابت می‌کنند و برخی از این رقابت‌ها برای کرسی‌های مهم و معتاداری است. از این میان به سه کرسی در ایالت ویسکانسین نگاه می‌کنیم. یکی از این کرسی‌ها، کرسی فرمانداری اسکات واکر جمهوری‌خواه است که سال ۲۰۱۶ از رقبای ترامپ در انتخابات اولیه هم بود. این ایالت که یکی از ایالت‌های غافلگیرکننده ترامپ در سال ۲۰۱۶ هم شد، واکر برای سومین دوره فرمانداری خود رقابت می‌کند. او اتحادیه‌های کارگری ایالت را در دوران فرمانداری خود به‌شدت تضعیف و محدود کرده و کلرزدن او از اهداف مهم دمکرات‌هاست. شکست او در سال ۲۰۱۶ از محبوبیت او کاسته و نظرسنجی‌ها او را در نزدیک‌ترین فاصله به شکست نسبت به دوره‌های گذشته نشان می‌دهند.

چهره بزرگ دیگری که حاضر غایب رقابت سه‌شنبه است، پل رایان است: رئیس مجلس نمایندگان و یکی از رهبران حزب، تصمیم به «بازنشستگی» احتمالاً موقت گرفته و کرسی او برای رقابت باز است، گرچه رقابت اولیه دمکرات‌ها به رقابت تندی تبدیل شده که ممکن است به برنده نهایی صدمه زده باشد.

تمی بالدوین دمکرات، از سناتورهایی است که در سال ۲۰۱۸ باید از کرسی دمکرات خود در ایالتی که در ۲۰۱۶ به ترامپ رأی داده دفاع کند جمهوری‌خواهان در این منطقه رقابت درگیرانه‌ای دارند و نظرسنجی‌ها فعلاً بالدوین را از هر دوی آن‌ها پیش افتاده نشان می‌دهد.

نتایج انتخابات اولیه نشان خواهد داد، برای تصاحب هر کدام از این کرسی‌ها، هر کدام از احزاب با چه گزینه‌ای وارد خواهند شد و گزینه پیروز، گاهی به تنهایی راه‌زادی از پیش‌بینی نتیجه را روشن خواهد کرد.

پرشنش‌های خود درباره انتخابات آمریکا را بر تلگرام برای@The.Ruhi یا با ایمیل برای @Ruhollah.Nakhaee@gmail.comفراستید.

سرفرا خبرها

● **Sky News** |جرمی کوربین، رهبر حزب بریتانیا بار دیگر در صحنه

عمومی با نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل درگیر شد. در پاسخ به نتانیاهو که کوربین را به تجلیل از تروریست‌ها متهم کرده بود و خواستار محکوم‌کردن او شده بود، کوربین با رد اتهامات نتانیاهو گفت آنچه شایسته محکوم‌کردن است، کشتار بیش از ۱۶۰ فلسطینی شامل ده‌ها کودک از ماه مارس به بعد در غزه توسط سربازان اسرائیلی است. او همچنین گفت در کنار ده‌ها هزار عرب و یهودی است که در اعتراض به قانون ملت یهود در تل آویو راه‌پیمایی کرده و خواستار حقوق برابر شده بودند.

● **CNBC** | رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه اعلام کرد این کشور محصولات الکترونیکی آمریکایی، شامل محصولات اپل را بایکوت می‌کند. او گفته اگر آن‌ها آیفون دارند، در طرف دیگر سامسونگ هم هست.

● **NPR** | در حادثه‌ای که پلیس لندن، فعلاً به‌عنوان حمله تروریستی هدف تحقیق و بررسی قرار داده است با ماشین به موانع امنیتی نزدیک ساختمان پارلمان بریتانیا کوبید. در این حادثه حداقل ۳ نفر زخمی شده‌اند. متهم که فقط به عنوان مردی با کمتر از ۳۰سال سن توصیف شده است، با ماشین از میان جمعیت پیاده و دوچرخه‌سوار به سمت ساختمان حرکت کرده بود.

● **Axios** | در پدیده‌ای تاریخی در فصل آتش‌سوزی‌های گسترده کالیفرنیا، سه نمونه بزرگ‌ترین آتش‌سوزی‌های تاریخ این ایالت به طور هم‌زمان شعله‌ور هستند.

● **CNBC** |لیره ترکیه بعد از سقوطی چندروزه پیش که با اعلام تحریم آمریکا تجربه کرد، بازگشت. لیره بعد از افت به ۷.۲۴ در مقابل یک دلار در روز دوشنبه، با ۴درصد افزایش به ۶.۵۶ رسید.

● **Aljazeera** | بر اثر طوفان شدید، یک پسل در نزدیکی جنوای ایتالیا فروریخت. ماشین‌ها و افراد در میانسه آوار این پل سه‌دام افتاده‌اند. در گزارش‌های اولیه، این حادثه حداقل ۲۵ کشته داشته است.

● **Fox Business** | وزارت حمل‌ونقل کسره جنوبی بعد از چند مورد آتش‌گرفتن موتور خودرو، ۲۰هزار خودروی BMW را ممنوع اعلام کرد. در فاصله‌زانونیه تا جولای، ۲۷ بار موتور خودروهای این شرکت آتش گرفته بودند که با عذرخواهی تولیدکننده و فراخوان بازگشت ۱۰۶هزار خودرو همراه شد.

● **Fortune** |اف‌بی‌آی به بانک‌های آمریکا هشدار داد، ممکن است حساب‌های مشترک‌نشان در جریان یک حمله هک به دستگاه‌های عابربانک، در معرض تهدید قرار بگیرد. طبق اطلاعاتی که اف‌بی‌آی به دست آورده این حمله احتمالاً در روزهای آینده، اواخر هفته اتفاق بیفتد.

● **Huffington Post** | یکی از کاندیدای جمهوری‌خواهان در انتخابات مجلس ایالتی در فلوریدا، اعتراف کرد درباره سابقه تحصیلاتش دروغ گفته و مدرک خود را جعل کرده است. ملیسا هاوارد اما از صحنه انتخابات کنار‌گیری نکرده‌است.



■ **ساسان کریمی**

■ پژوهشگر روابط بین‌الملل

در فرهنگ عامه ایران شنیده‌ایم که «از مردمان زاغ و بسور حذر کن». فسارغ از نمود قدیمی و تا حدی «نژاد محور»ی که این نقل قول دارد، لایه زیرین آن به عنوان مساله‌ای در تاریخ غیررسمی شایسته توجه است. از مادربزرگانی که احياناً در آذربایجان و نواحی شمالی ایران بوده‌اند اگر واکاوی کنیم احتمالاً به آن می‌رسیم که منظور و اشاره در این جمله به روس‌هاست که حمله و اشغالشان رسوب تیره‌ای در ذهن ایرانیان باقی گذاشته است.

امروز به خاطر حساسیت تاریخی مردم در خصوص معاهدات ارضی و آبی با روسیه، افکار عمومی متوجه کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر است. از کسانی که بنابر نقل‌قول‌ها نسیم ایران را ۵۰درصد می‌دانند تا دیگری که به قصد انصاف و صلح پایدار با همسایگان شمالی، همه متوجه مساله مذکور هستند.

اگر از قیل و قال این کنوانسیون به عنوان مصداق بگذریم دو پرسش را به‌سه عنوان پرسش‌های راهبردی در مقابل خود خواهیم یافت.

یکی آنکه: به واسطه مواضع اعلام و اتخاذشده در مقابل غرب و به خصوص ایالات متحده، نزدیکی ما به روسیه تا چه حد امری انتخابی بوده است؟ آیا میان ابرقدرت‌ها یا قدرت‌های بزرگ جهان انتخاب دیگری برای «اتحاد استراتژیک» برای ما وجود داشته یا دارد؟

مابهیت استقلال طلبانه نظام سیاسی، هیچ اتحاد استراتژیک رسمی و اعلام شده‌ای میان ایران و قدرت‌های جهانی وجود ندارد؛ ولی در صحنه عمل هر نظری تأیید می‌کند که در سال‌های اخیر (و عمدتاً پس از ۱۳۸۴) ایران روابط راهبردی نزدیکی با روسیه برقرار کرده که قابل کتمان نیست.

البته که به لحاظ نظری از نگاه نگارنده، اتحاد استراتژیک حتی اگر اعلام شده و رسمی باشد نیز لزوماً به معنای وابستگی و نقض حاکمیت ملی نیست و کشورها در همه جهان بر اساس منافع ملی‌شان می‌توانند به چنین اتحادهایی عدیل شرکای خود بهره می‌برند، حتی در خرید تسلیحات هم به واسطه همین رقابت دائم میان ابرقدرت‌ها موفق عمل کرده و علی‌رغم عضویت در پیمان ناتو از روسیه موشک‌های S-۴۰۰ را به سرعت خریداری کرده و تحویل می‌گیرد؛ چرا که هم روسیه حاضر است برای جداکردن هرچه بیشتر ترکیه از شرکای راهبردی‌اش به او امتیاز بدهد و هم در مقابل، غرب و به‌خصوص ایالات متحده تحت تأثیر همین رقابت استراتژیک، در میان‌مدت در برابر او تا حد ممکن کوتاه می‌آیند و در نتیجه ترکیه با قراردادن خود در میان قدرت‌های بزرگ، هم تعادل و توازن را در میان آن‌ها برقرار می‌کند و هم تیلوچای خود را به مقصود استراتژیک همه اطراف این رقابت تبدیل می‌نماید.

این گونه است که هم منافع ملی کشور تأمین شده و هم اتفاقاً به واسطه توازی که میان ابرقدرت‌ها برقرار است، استقلال کشور به حد مطلوب حفظ می‌شود و در واقع تضمین این عدم دخالت خارجی، خارجی دیگر و فضای رقابتی است که انگار همه در آن مراقب یکدیگرند. پرسش دوم ما در بساط اتحاد یسا نزدیکی راهبردی ایران و همسایه شمالی این است که اساساً آیا به لحاظ طبیعی روسیه بهترین انتخاب از میان قدرت‌های مسلط جهان برای برقراری روابط نزدیک است؟

نخستین عاملی که در ارزیابی تناسب یک رابطه راهبردی به نظر می‌رسد، میزان وابستگی‌های متقابل طبیعی دو کشور است؛ برای مثال وقتی کشوری دارای بعد مسافت نسبت به منطقه ماست، احتمالاً نیاز به نفوذ در این منطقه حساس می‌تواند یکی از انگیزه‌ها برای نزدیک‌شدن به قدرت‌های منطقه باشد. چنان که ایالات متحده دائماً سعی در حضور در این منطقه چه از طریق پایگاه‌های نظامی و چه نزدیک‌شدن به دولت‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس را دارد. به عنوان دومین عامل انگیزه دیگر کشورهای بزرگ برای نزدیک‌شدن به قدرت‌های منطقه‌ای و کشورهای همچون ایران می‌تواند تضمین تأمین انرژی باشد. با نگاهی اجمالی به صحنه می‌توان دریافت که روسیه، چه به لحاظ جغرافیایی و به دلیل نزدیکی به کشور و منطقه ما و امکان حضور بلافاصل در این بخش جهان و چه به واسطه اینکه خود دارای منابع انرژی و صادرکننده آن (به خصوص به اروپا) است، نمی‌تواند در ارتباط راهبردی با ایران واجد انگیزه‌های عظیم باشد.

حتی به علت همین ارتباط استراتژیک است که صادرات گاز ایران به اروپا، به‌خصوص آلمان که همیشه نگران منابع وارداتی انرژی خود مخصوصاً از روسیه است، هیچ گاه جدی گرفته نشده، چرا که در حوزه صادرات نفت و گاز، ایران و روسیه نه‌تنها منافع مشترک ندارند بلکه به طور طبیعی دارای تعارض و تضاد منافع هستند و



President.ir

به ترکیه بنگریم؛ ما خوشنود باشیم

یا نه، ترکیه متحد استراتژیک غرب و عضو پیمان ناتواست، روابط تسلیحاتی تجاری و صنعتی گسترده‌ای با آمریکا و علی‌الخصوص اروپا دارد و حتی آمریکا دارای پایگاه نظامی در ترکیه است. در عین حال ترکیه در این اتحاد خود با غرب هیچ‌گونه تعارفی با ایشان ندارد و به محض احساس فشار از طرف ایالات متحده یا حتی کشوری چون آلمان، رو به دیگر سوی جهان یعنی روسیه (و به طریق اولی ایران) می‌گرداند و ضمن آنکه از این سایه به عنوان تهدید ضمنی برای مهار و تعدیل شرکای خود بهره می‌برد، حتی در خرید تسلیحات به هم و واسطه همین رقابت دائم میان ابرسر قدرت‌ها موفق عمل کرده و علی‌رغم عضویت در پیمان ناتو از روسیه موشک‌های S-400 را به سرعت خریداری کرده و تحویل می‌گیرد.

علی‌القاعده در هر صحنه یکی باید به نفع دیگری کنار رود. چرا که هر دو از عظیم‌ترین منابع انرژی برخوردارند و می‌توانند حوزه‌های غربی خود یعنی اروپا را از ایسن راه به صادرات انرژی خود وابسته نمایند و نیز منافع مادی زیادی از آن ببرند.

شاید اگر اروپا دست ایران را در صادرات گاز به لحاظ سیاسی باز می‌دید، نه‌تنها روابط خود را در بسیاری حوزه‌ها با کشورمان توسعه می‌داد بلکه خود حاضر بود در احداث خط لوله و استخراج گاز (و نفت) سرمایه‌گذاری‌های چشمگیر کند و این وابستگی در سرمایه و انرژی، خود بهترین تضمین برای قراردادهای سیاسی می‌شد؛ لحنه‌ای تصور کنیم که اگر انرژی آلمان، اتریش، فرانسه یا اسکانندیناوی به ایران (آن هم به صورت خط لوله گاز و نه نفت که قابل جایگزینی باشد) وابسته بود، چه کسی می‌توانست حتی صحبت از تحریم ما کند؟

سومین عامل در ارزیابی مناسب‌بودن اتحاد راهبردی، توان کشور بزرگتر به لحاظ علمی و تکنولوژیک است؛ با همه اراده‌ای که برای واردات از همسایه شمالی در میان است، واقع امر این است که عمده تجهیزات و فناوری‌های مورد مصرف در ایران، غربی هستند و نه روس؛ این هم در زیرساخت‌ها و صنایع بالادستی عیان است و هم در زندگی روزمره مردم.

واضح است که قصد ما بیشتر در جهت تولید است و نه واردات؛ ولی امروزه تولید لاقفل چهار نهاده دارد: نیروی انسانی، مواد اولیه، دانش فنی و تجهیزات که در دو عنصر اخیر حتماً اروپا و به‌طور کلی غرب از مزیت نسبی قطعی و با فاصله‌ای نسبت به روسیه برخوردار است. گویی که معنای استقلال اقتصادی در قرن حاضر نه «خودکفائی» که «وابستگی متقابل» است. اگر بتوان در مقابل ورود «آنچه نداریم» جهان یا حداقل متحدان را به «آنچه داریم» وابسته کرد، توازن برقرار و پایدار است.

حالا اما، اگر ایران به «شریک تضمین‌شده روسیه» تبدیل شده باشد، عجیب نیست که این کشور حاضر به پرداخت هزینه زیادی برای این شرکات نباشد. در تحریم سازمان ملل علیه ایران همراهی کند (که کرد) یا به واسطه معامله‌ای مواضع منطقه‌ای ایران را وجه‌المصلحه قرار دهد و حتی به رقبای منطقه‌ای پیش و بیش از ایران تسلیحات پیشرفته بفروشد.

اگر روسیه در تحویل موشک های S-۳۰۰ و ساخت نیروگاه بوشهر تأخیر و تعلل بی‌حسابو‌کتابی داشت، خرده را نباید به او گرفت، چرا که این رابطه برای او مادامی می‌ارزد که کم‌هزینه و پرفایده باشد. اولین فایده هم البته مهارکردن تنها رقیب بالقوه صادرات گاز به اروپاست. اگر به این سه مورد، نکته‌ای را که در ابتدای مطلب آمد، یعنی بدبینی تاریخی مردمان ایران به روسیه، بیافزائیم به نظر می‌رسد روسیه در مقابل ایران تردید نماید؟

به علت همین از تباط استراتژیک است که صادرات گاز ایران به اروپا، به‌خصوص آلمان که همیشه‌نگران منابع وارداتی انرژی خود مخصوصاً از روسیه است، هیچ گاه جدی گرفته نشده، چرا که در حوزه صادرات نفت و گاز، ایران و روسیه نه‌تنها منافع مشترک ندارند بلکه به طور طبیعی دارای تعارض و تضاد منافع هستند و علی‌القاعده در هر صحنه یکی باید به نفع دیگری کنار رود. چرا که هر دو از عظیم‌ترین منابع انرژی برخوردارند و می‌توانند حوزه‌های غربی خود یعنی اروپا را از این راه به صادرات انرژی خود وابسته نمایند و نیز منافع مادی زیادی از آن ببرند. شاید اگر اروپا دست ایران را در صادرات گاز به لحاظ سیاسی باز می‌دید، نه‌تنها روابط خود را در بسیاری حوزه‌ها با کشورمان توسعه می‌داد بلکه خود حاضر بود در احداث خط لوله و استخراج گاز (و نفت) سرمایه‌گذاری‌های چشمگیر کند و این وابستگی در سرمایه و انرژی، خود بهترین تضمین برای قراردادهای سیاسی می‌شد.

نه بهترین، بلکه تنها امکان ما برای نزدیکی

سیاسی به یک قدرت بزرگ جهانی بوده و به واسطه این نکته که روسیه نیز به آن واقف است، دلیلی برای پرداخت هزینه این اتحاد نمی‌بینید و ایسن عدم توازن، کفه او را مدام به ضرر ما خود حاضر بود در احداث خط لوله و استخراج گاز (و نفت) سرمایه‌گذاری‌های عملی (که توقع حداقلی از یک رابطه راهبردی است ولی هرگز به تمامی انجام نشده است) به قیمت انزوا و صرف‌نظر کردن از رقابت در بخشی از بازار گاز و انرژی (مانند اروپا) بوده و خواهد بود.

حالا اما، اگر ایران به «شریک تضمین‌شده روسیه» تبدیل شده باشد، عجیب نیست که این کشور حاضر به پرداخت هزینه زیادی برای این شرکات نباشد؛ در تحریم سازمان ملل علیه ایران همراهی کند (که کرد) یا به واسطه معامله‌ای مواضع منطقه‌ای ایران را وجه‌المصلحه قرار دهد و حتی به رقبای منطقه‌ای پیش و بیش از ایران تسلیحات پیشرفته بفروشد. اگر روسیه در تحویل موشک‌های S-300 و ساخت نیروگاه بوشهر تأخیر و تعلل بی‌حسابو‌کتابی داشت، خرده را نباید به او گرفت، چرا که این رابطه برای او مادامی می‌ارزد که کم‌هزینه و پرفایده باشد. اولین فایده هم البته مهارکردن تنها رقیب بالقوه صادرات گاز به اروپاست. اگر به این سه مورد، نکته‌ای را که در ابتدای مطلب آمد، یعنی بدبینی تاریخی مردمان ایران به روسیه، بیافزائیم به نظر می‌رسد روسیه نه بهترین، بلکه تنها امکان ما برای نزدیکی سیاسی به یک قدرت بزرگ جهانی بوده.

پرسش اکنون این است: حالا که به یمن کوفتفکری‌های رئیس‌جمهور ایالات متحده، شکاف در سیاست‌ها و تعارض در منافع کوتاه و میان‌مدت اروپا با این کشور رخ داده است، آیا زمان تراشیدن رقیبی جدی برای روسیه در شرکاتش با ایران فرا نرسیده و زمینه فراهم شده است؟ رقیبی که از یک طرف رفتار روسیه با ایران را منصفانه‌تر و فضا را سسالم‌تر کند و از طرف دیگر به واسطه منافع خود و نه دفاع از حق و حقیقت، هر روز بیشتر سیاست‌های آمریکا را در مقابل ایران تردید نماید؟

در اقدامی بی‌سابقه، کارکنان کاخ

سفید توافقی عدم افشاکگری امضا می‌کنند
ایستا | در پی افشاکگری یکی از کارکنان سابق کاخ سفید، رئیس‌جمهوری آمریکا تلاش دارد تا با وادار کردن کارکنانش به امضای توافقی‌های عدم افشاکسازی موجب شود تا این افراد پس از ترک شغلشان نتوانند کتاب‌های افشاکرایانه‌به‌رشته‌تحریر درآوردند. به گزارش وب‌سایت خبری پولیتیکو گزارش داد، توافقی‌های عدم افشاکگری شامل بندی است که مقام‌های دولت را از افشای اطلاعات محرمانه، به هر نحوی، از جمله در کتاب‌ها منع می‌کند مگر اینکه پیش از آن از دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا مجوز دریافت کرده باشند. براساس آن، چنانچه فردی این توافق را نقض کند، حق امتیاز و درآمد حاصل از کتابشان به دولت آمریکا می‌رسد. استفاده از توافقی‌های عدم افشاکگری درون کاخ سفید در شرایطی مطرح می‌شود که اوماروسا ماتیکو نیومن، مشاور سابق سیاسی کاخ سفید که دسامبر اخراج شد، در حال تبلیغ برای فروش کتابش تحت عنوان «روانی: شرح یک خودی از کاخ سفید ترامپ» است. او در کتابش ادعاهای شگفت‌آوری دارد، از جمله اینکه ترامپ مکرراً از کلمات رکیک استفاده می‌کند و نژادپرست، زن‌ستیز و خودشیفته است. ستون‌نویس واشنگتن پست پیشتر گزارش داد که از کارکنان ارشد کاخ سفید درخواست شده است تا توافقی‌های عدم افشاکگری را امضا کنند؛ این اقدامی بی‌سابقه و غیرقابل‌اجرا علیه کارکنان دولتی است. کلیان کاتوی، مشاور کاخ سفید با تأیید وجود چنین توافقی‌هایی گفت: همگی ما در دفتر اجرایی ریاست‌جمهوری آن را امضا کردیم. چرا نباید امضا می‌کردید؟

زیرنویس: درباره این خبر، سه نکته را باید در نظر گرفت. نکته اول اینکه جواب سؤال کلین کاتوی بدیهی است. چرا تا بحال اعضای کاخ سفید چنین چیزی امضا نمی‌کرده‌اند؟ اتفاقاتی که در کاخ سفید می‌افتد، اگر شامل مسائل امنیتی باشد با قوانین از پیش تعریف شده کسی حق انتشارش را ندارد و نیازی به امضا نیست. تغییر رویه، دلیل لازم دارد. نکته دوم این که درخواست امضای چنین سندی نشان می‌دهد، خود ترامپ هم متوجه است که چه ترکیب غربیسی در اطراف خود جمع‌آوری کرده. از طرفی روی وفاداری آن‌ها حساسی باز نمی‌کند. از طرفی می‌داند بسیاری از آن‌ها، مانند اوماروسا، بعد از خروج از کاخ سفید آینده سیاسی ندارند که با نگرانی از آن بخواهند رزارد بمانند. با این قدم باید گفت ترامپ، اگر از لحاظ خطخی از قواعد شبیه نیکسون عمل کرده و از لحاظ رفتارشدن هنوز به نرسیده، از نیکسون پیشی گرفته است. نکته آخر هم اینکه ترامپ همین قراردادها را با همین زناتی که حالا به خاطر روابط خارج از ازدواج با و به دردمسری برایش تبدیل شده‌اند نیز بسته بود و کارآمدی این تاکتیک را دیده است.

از زمان تحلیف ترامپ، جمهوری‌خواهان ۳۵ میلیون دلار برای استفاده از دارایی‌های ترامپ پول داده‌اند

ایستا | پایگاه خبری «هک‌کلاچی» با انتشار گزارشی فاش کرد، جمهوری‌خواهان از زمان تحلیف دونالد ترامپ، برای استفاده از دارایی‌های او ۳۵ میلیون دلار هزینه کرده‌اند. به گزارش پایگاه خبری هیل، سایت مک‌کلاچی با تحلیل داده‌های کمیسیون انتخاباتی فدرال دریافت‌ه است که دست‌کم ۱۲۵ جمهوری‌خواه و اعضای گروه‌های محافظه‌کار در اقامتگاه‌ها، هتل‌ها

و رستوران‌های دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در سراسر این کشور پول خرج کرده‌اند. مک‌کلاچی تصریح کرده است که دموکرات‌ها در این امکان هیچ هزینه‌ای نکرده‌اند. در میان افرادی که در کسب‌وکارهای ترامپ هزینه کرده‌اند، نام کوین مک‌کارتی، رهبر اکثریت مجلس نمایندگان آمریکا، راجر ویلیامز، نماینده جمهوری‌خواه و مارک میدوس، رییس‌کانون آزادی‌کنگره آمریکا به چشم می‌خورد. اطلاعاتی کمیسیون انتخاباتی فدرال حاکی از آن است که مجموع این مبلغ ۳۵ میلیون دلار است و از زمان تحلیف ترامپ به عنوان رییس‌جمهور آمریکا در این مکان‌ها هزینه شده و نسبت به ۳۵ هزار دلاری که در دوره دوساله پیش از انتخابات یعنی ۲۰۱۵ و ۲۰۱۴ در این مکان‌ها هزینه شده، افزایش چشمگیری داشته‌است. یکی از بزرگ‌ترین افزایش‌کننده‌ها، کمپین «اول آمریکا» بوده است که به حمایت از نامزدهای هوادار ترامپ اختصاص دارد و بیش از ۲۲۵ هزار دلار در دارایی‌های ترامپ به ویژه هتل او هزینه کرده است. همچنین کمیته ملی جمهوری‌خواهان و انجمن فرمانداران جمهوری‌خواه دیگر هزینه‌کننده‌های بزرگ در این فهرست هستند. بر اساس تحلیل مک‌کلاچی به ایسن آمار باید هزینه‌های حضور ترامپ در دارایی‌های خود را نیز اضافه کرد.

زیرنویس: از زمان پیروزی ترامپ پیش‌بینی شده بود که ورود او به کاخ سفید به منبعی برای کسب درآمد بیشتر تبدیل خواهد شد. همان روزهای اول خبر رسید که دیپلمات‌ها برای پیشبرد مواضع خود در مقابل رئیس‌جمهور جدید، در هتل‌های ترامپ اقامت می‌کنند. حالا این خبر نشان می‌دهد که سیاستمداران داخلی هم مشابه همان وضعیت را دارند. اگر کار ترامپ به فرایند استیضاح برسد، احتمالاً درآمدی که از این راه کسب شده هم به یکی از سسوزه‌های توجه اعضای‌کنگره و دیگران تبدیل خواهند شد.